

اندازه حضور، وسواس‌های شما بالا خواهد رفت؟

نقش رحمان مکانیک در فیلم «خروج» در حد و اندازه خودش بود و قرار نبود اوج و فرودی داشته باشد تا تأثیری در روند آتی بازیگری من چه در انتخاب نقش و یا چه در دستمزد بگذارد. معمولاً سعی می‌کنم انتخاب‌ها را به همان شیوه‌ای که فکر می‌کنم درست است انجام دهم. ۴ معیار اصلی برای من؛ فیلمنامه، نقش، کارگردان و عوامل اصلی هستند. معمولاً فروش بسیار بالای یک فیلم، جواز برای فیلم یا خود نقش و حتی فقط محبوب شدن کاراکتر ایفا شده ممکن است مسیر بازیگری یک بازیگر را تا حدی تغییر دهد.

شاید در زمینه پخش اینترنتی و اینگونه شیوه‌های اکران، زور وی‌اودی‌های ما به تلویزیون‌های بزرگ اینترنتی مثل نتفلیکس و ... نرسد، به نظر شما آیا ما باید بعد از اتمام کرونا به این شکل از اکران خاتمه بدهیم یا می‌شود فتح بابی برای شکل دیگری از اکران برای این همه تولیدی که در سال داریم باشند؟

شیوه اکران آنلاین بالای ۱۰ سال و شیوه VOD بالای ۲۵ سال است که در دنیا رواج دارد. در کشور ما هم می‌توانست زودتر از اینها راه بیفتد، ولی به دلیل شیوع کرونا به صورت قریب‌الوقوع و ناگهانی رخ داد و قرعه به نام فیلم «خروج» افتاد. در ایران این شیوه نمایش در ابتدای راه است و قطعاً زمان می‌برد که با این روش و راه‌های برون رفت از مشکلاتش آشنا شویم. این شیوه‌ای است که باید ادامه داشته باشد و در ادامه هم کم و کاستی‌هایش برطرف شود. فقط هم بحث تکنیکال مطرح نیست. کمالینکه دانلود کردن را در همه جای دنیا بلد هستند. در اینجا بحث فرهنگسازی مطرح است؛ بحث احترام گذاشتن به قانون کپی رایت. در ایران سه دسته باید به یکدیگر کمک کنند تا این فرهنگسازی مرسوم شود؛ مردم، رسانه و دولت. دولت باید قانون کپی رایت را در جهان به رسمیت بشناسد (در پراپرتی بگویم که قانون کپی رایت با حقوق مولف کاملاً متفاوت است)؛ به این معنا که دیگر فیلمی که امروز در جهان اکران شده را شب در کنار خیابان نبینیم. مهم اما، رعایت قانون کپی رایت و احترام به سازندگان اثر است. شاید بعضی‌ها فکر کنند که مثلاً فیلم «خروج»، یک کارگردان و چند بازیگر مهم دارد، اما نه. ما حقوق صدها نفر را در پشت دوربین رعایت می‌کنیم و اگر این چرخه اقتصادی درست نچرخد بیشترین کسانی که لطمه می‌بینند همان زحمتکشان پشت دوربین هستند. به همین دلیل واجب است مردم به روش صحیح یک فیلم را تماشا کنند.

تعمداً خواستید از آن فرم فاصله بگیرید، درست است؟

اینکه یک بازیگر برای یک سری نقش‌های خاص مناسب تر است تا حدودی درست است. ولی این فرضیه دلیل نمی‌شود که بازیگر نقش‌های متفاوت نپذیرد و خود را به چالش نکشد. هر چند ممکن است مخاطب هنوز او را به خاطر همان نقش‌های خاص به یاد بیاورد. متأسفانه مشکلی که در سینما، تلویزیون و حتی تئاتر ایران هست، بحث کلیشه شدن است. کافی است شما یک نقش منفی را موفق بازی کنید و همین باعث شود دیگر نقش مثبت یا حتی متفاوت به شما پیشنهاد نشود. هر چند من عقیده دارم، مثبت و منفی لزوماً کلیشه نمی‌شود. مانند این است که بگویید فرامرز قریب‌ان ۵۵ سال فقط نقش مثبت بازی کرد و کلیشه شد! می‌دانیم که چنین نیست و آقای قریب‌ان بدون بازی در هیچ نقش منفی توانست تعداد کثیری از نقش‌های متفاوت را بازی کند. در مورد خود من هم آن تعداد از نقش‌های منفی که بازی کردم، هیچکدام شبیه یکدیگر نبودند. در «خط ویژه»، «رهای»، «تنهایی لیلیا» و «نگاه‌مانی می‌کنند»، نقش‌های من جنس متفاوتی از کاراکتر منفی یا خاکستری بود. حتی سعی کردم این تفاوت در نقش‌های مثبتی هم که بازی کردم، باشد از «ایراندخت» گرفته تا «عذر خواهی از آقای امانوئل» تا همین فیلم «خروج» همه‌شان شخصیت‌هایی متفاوت، با یک گراند‌های متفاوت هستند. هر چند هنوز که به بانک می‌روم بیشتر مرا به خاطر «خط ویژه» و «رهای» می‌شناسند که باز در آن دو اثر هم به دلایل و شیوه‌های متفاوت بانک‌ها را خالی می‌کردم.

حضور در فیلم «خروج» تا چه اندازه در روند انتخاب‌های بعدی شما در سینمای ایران موثر خواهد بود؟ چه به لحاظ دستمزد و چه به لحاظ

باشید؟ آیا اگر کسی غیر از ابراهیم حاتمی‌کیا کارگردان این فیلم بود قبول می‌کردید که مقابل هم باشید؟

«خروج» یک پیشنهاد خوب در زمان مناسب بود و من همیشه از پیشنهادات خوب در زمان مناسب استقبال می‌کنم. بنابراین وقتی این پیشنهاد از سوی آقای حاتمی‌کیا مطرح شد آن را پذیرفتم. ضمن اینکه حضور مقابل فرامرز قریب‌ان، نه فقط به عنوان پدرم بلکه به عنوان یک بازیگر و استاد در چه یک فرصتی طلایی بود. اما نگرانی خود را هم داشتم. زمانی که پیشنهاد بازی در این فیلم مطرح شد، اعتقاد داشتم ابراهیم حاتمی‌کیا با انتخاب من ریسک بزرگی را متحمل می‌شود. از این جهت که ایشان پدر و پسر را در کنار یکدیگر قرار می‌داد که قرار نبود در فیلم پدر و پسر باشند و با دو جنس کاراکتر متضاد در سفری همراه می‌شدند. به خصوص وقتی که فرزند کاراکتر رحمت بخشی (با بازی آقای قریب‌ان) قرار بود وجه مهم دراماتیکی از قصه را بر دوش بکشد. آن زمان احساس می‌کردم اگر مخاطب من را در این نقش نسبت به آقای قریب‌ان ببیند، شاید از اصل قصه دور شود و این نگرانی را با آقای حاتمی‌کیا هم مطرح کردم. او گفت که درباره این مساله فکر کردم و بر این باورم که این نقش مناسب شماس است. البته نقش پیشنهادی که در ابتدا مطرح شد نقش دیگری بود، اما وقتی به دفترشان رفتم، گفتند که آن نقش قبلی (نقشی که در تضاد با شخصیت رحمت قرار می‌گرفت) را فراموش کن و نقش رحمان مکانیک را بازی کن. به هر حال سعی کردم از فرصت و اعتماد آقای حاتمی‌کیا حسن استفاده را بکنم. لحظه لحظه این کار با تمام سختی‌هایش سرشار از درس و لذت بود. بعضی‌ها سهام قریب‌ان را به لحاظ شکل بیان و فرم صورت، مناسب نقش‌های خاص و شخصیت‌های خاص امروزی و حتی اغلب منفی می‌دانند اما شما با این نقش انگار



خداحافظی پدرم لزوماً به خاطر یک اتفاق خاص نیست و مجموعه‌ای از اتفاقات در چند سال اخیر ایشان را در تصمیمشان مصمم‌تر کرد. پدر پس از فیلم «گناهکاران» فقط یکی، دو فیلمنامه را پسندید که لزوماً از نتیجه آنها هم راضی نبود. ایشان از سال ۱۳۴۵ به طور رسمی و حرفه‌ای وارد سینما شد و تا اوایل دهه هشتاد اعتقاد داشت جنس سینما، دست‌اندرکاران آن و روابط حرفه‌ای به گونه‌ای دیگر بود

